

طرحی برای جهانی کردن اقتصاد

سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (او.اس.سی.دی) را شاید بتوان بزرگترین سازمان اقتصادی بین دولتها توصیف کرد. این سازمان بیست و شش کشور صنعتی را برای تبادل اندیشه، هماهنگ کردن سیاستها و ارتقاء سطح بازرگانی آزاد گردهم آورده است. «ژان کلود پایه» دیپلمات فرانسوی طی ۱۲ سال از عمر ۳۵ ساله این سازمان مقام دبیر کلی آن را داشته و قرار است به زودی شخصی دیگر به جای او انتخاب شود. «گریستوفر دیک» رئیس دفتر مجله نیوزویک در پاریس اخیراً با «ژان کلود پایه» مصاحبه‌ای انجام داده که پاسخ و پرسش زیر بخشی از آن است.

دیک: آیا سیاستهای سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه در همان مسیری قرار دارد که در سالهای جنگ سرد قرار داشت؟

پایه: انگیزه اصلی تأسیس این سازمان در اوائل ایجاد یک بازوی اقتصادی برای پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) به منظور مهار بلوک تحت سلطه کمونیسم بود. ناتو وظیفه حفاظت از غرب بوسیله نیروی نظامی رایب عهده داشت و او.ای.سی.دی می‌خواست به اثبات برساند که مدل اقتصاد غربی بهتر از مدل شرقی است. این سازمان همچنین رسالت خود می‌دانست که در همه فعالیتهای اقتصادی در سر تا سر جهان مشارکت و نظارت داشته باشد.

در زمان تأسیس این سازمان، اوضاع اقتصادی جهان به دلیل استیلا کمونیسم از یکسو، و بجایماندن آثار استعمار از سوی دیگر مبهم بود، لذا او.ای.سی.دی سعی داشت طرحی جامع برای اقتصادی جهانی ارائه دهد.

دیک: اما جنگ سرد پایان یافت. شما تا چه اندازه توانسته‌اید سازمان خود را با شرایط بعد از جنگ سرد تطبیق دهید؟

پایه: پس از فروری سیستم شوروی در سال ۱۹۸۹ ما با سرعت دست به کار تدوین طرحهایی برای گذر از دوران انتقالی اقتصاد جهانی که با شرایط جدید جهان بدون شوروی مطابقت داشته باشد، شدیم. اصول همه این طرحها بر پایه تجاربی قرار داشت که همه کشورها از اقتصاد بازار آزاد بدست آورده بودند. بدیهی است که روسیه و سایر کشورهای عضو بلوک شرق سابق کمترین تجارب را در این زمینه داشتند.

دیک: ظهور مجدد احزاب کمونیست در کشورهای سابق بلوک شرق حرکتی ناخوشایند برای غرب نیست، جز این فکر می‌کنید؟

پایه: تا آنجا که می‌دانم این احزاب در نظر ندارند جوامع اروپای شرقی را به دوران سیستم شوروی

بازگردانند. حرکتهای آنها حرکتهای زودگذر و موضعی است. تصور می‌رود مشکل آنها این نباشد که به اقتصاد جهانی به پیوندند یا نه؟

دیک: در حالیکه شما به آموزش اصول اقتصاد آزاد به شرق ادامه می‌دهید بسیاری از کشورهای صنعتی عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه با مشکلات عظیم اقتصادی ناشی از بیکاری روبرو هستند. این ارمغانی است که به شرق می‌برید؟

پایه: ما در حال جهانی کردن اقتصاد هستیم. این اقدام به معنی گشودن مرزها، توسعه بازرگانی و سرعت بخشیدن به تحولات تکنولوژیکی است. کشورهای عضو سازمان ما در تدارک ایجاد موازنه ساختاری در اقتصاد جهانی هستند و در این راه تا کنون گامهایی بلند برداشته‌اند.

دیک: قدری تأمل کنیم. منظور شما از «موازنه ساختاری» چیست؟

پایه: قرار دادن تخصصها در محل‌های صحیح خود، دستیابی به تجارب نوین و رسیدن به ساختاری مطمئن از اقتصاد که قابل اجرا در همه نقاط جهان باشد. رسیدن به چنین هدفی مستلزم برگزیدن نیازهایی است که جهان مدرن امروز تشنه آن است.

دیک: همه خیابانهای کشورهای صنعتی غرب مملو از انسانهایی است که می‌گویند: «ما بیکاریم» این ناکامی اقتصاد غرب را چگونه توجیه می‌کنید؟

پایه: در خیلی از این کشورها این ناکامی را فقدان شغل برای نیروهای فعال توجیه می‌کنند. در بعضی نیز این معضل را به عنوان بروز شکافی عمیق در میان جوامع سرمایه‌داری مورد ارزیابی قرار می‌دهند. مثلاً جامعه آمریکا را در نظر بگیرید: در پانزده سال گذشته شکاف میان طبقات بالا و پائین جامعه بشدت عمیق شده است، در قاره اروپا که انعطاف اقتصادی کمتر از آمریکا است دستمزدها آنگذر بالا است که هیچ سازمان اقتصادی تمایلی به نگاه داشتن کارکنان خود ندارد، مجموعه این شرایط موجب پدیده‌های ناگوار بنام «بیکاری» شده است؛ چه بیکاری آشکار و چه پنهان.

دیک: روند بیکاری باز هم سرعت بیشتری خواهد گرفت؟

پایه: ببینید، ما در جهانی زندگی می‌کنیم که رقابت آن را مملو از آثار خود کرده است و کشوری می‌تواند گلیم خود را از آب بیرون بکشد که معتقد به جهانی کردن اقتصاد باشد و سریعاً به ایجاد موازنه ساختاری عمیق در اقتصاد خود بپردازد. این سرعت در اروپا بسیار کند بوده است، از سوی دیگر همه افراد جوامع امروز دنیا نباید این طرز فکر را برای خود

ایجاد کنند که به آنها شانس لازم برای مشارکت در بازار کار کشورشان داده نشده است. چنانچه موازنه ساختاری روندی کند داشته باشد همه چیز، و از جمله سرعت ایجاد مشاغل جدید بطنی خواهد بود و هیچ کس نباید گله داشته باشد که جامعه به او روی خوش نشان نداده است. آن دسته از شاکیان حرفه‌ای را باید از کل اقتصاد یک کشور کنار گذاشت، بیکاری قبل از هر چیز بر برنامه‌های رفاه و تأمین اجتماعی فشار می‌آورد و مقدمه‌ای است برای ایجاد فشارهای سیاسی به دولتهای منتخب مردم، که هم خطرناک است و هم از سرعت رشد یک جامعه می‌کاهد. به این دلیل است که من اصرار به تحقق مسئله بسیار با اهمیت تثبیت قیمتتها و ارتقاء سطح موازنه ساختاری در اقتصاد دارم، چرا که این دو عامل موجب می‌شوند که هیچکس احساس نکند از جامعه کنار گذاشته شده است.

دیک: چرا سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه زودتر به فکر طرح این مشکلات نیفتاده است؟

پایه: از سال ۱۹۸۴ که به دبیر کلی او.ای.سی.دی انتخاب شدم همواره متوجه این مسئله بوده‌ام که ایجاد تغییرات در یک اقتصاد تا چه اندازه می‌تواند بر مشاغل و بیکاری اثر بگذارد، در سالهای پایانی ۱۹۸۴ دنیا با رشدی مبهم از اقتصاد مواجه بود، شوروی فرو ریخته بود، ژاپن در اوج شکوفایی اقتصادی قرار داشت. مدل ژاپن این احساس را بوجود آورده بود که جهان قادر است با تقلید از روش ژاپنی‌ها به رشد اقتصادی مطلوب برسد و برای همیشه معضل بیکاری را از میان بردارد. بعدها ثابت شد که دل بستن به چنین امیدی تا چه اندازه اساسی متزلزل دارد. بنابراین ما در سال ۱۹۹۲ مجبور شدیم طرحهای بیشتر و متفاوت‌تری را برای مشکل بیکاری و ایجاد مشاغل مورد بررسی قرار دهیم.

دیک: ممکن است هیچ یک از استدلالهای شما مورد قبول کسانی که شغل خود را از دست داده‌اند نباشد. این گذشته جهان در حال توسعه را از سخت برنامه‌های اقتصادی غرب دچار تردید کند.

پایه: کاملاً ممکن است، من نگرانی شما را درک می‌کنم. شما بر این باورید که مشکل بیکاری ممکن است هرگز در غرب حل نشود و بنابراین کل سیستم اقتصاد سرمایه‌داری را زیر سؤال ببرد، اما بنظر من استعداد بالقوه جوامع همواره ظرفیتهای جدیدی را بر مشاغل و فعالیتهای جدید ایجاد می‌کند.

مأخذ: مجله نیوزویک ۲۹ آوریل ۱۹۹۶
برگردان از سرویس ترجمه گزارش